

خلاصه درس :

دیگری فرموده است:

« الخطاب فی الامر بالجلد متوجه الی عامة المسلمین فیقوم بمن قام بامرهم من ذوی الولاية من النبی - ص - و الامام - ع - و من ینوب منابه ».

از مفسران اهل تسنن شهاب الدین آلوسی معتقد است: خطاب در این آیات به امام مسلمین و نایبان وی است. «و الخطاب فی قوله تعالی: «فاجلدوا» لائمة المسلمین و نوابهم». و فخر رازی گوید:

« ان قوله: «فاقطعوا» خطاب مع قوم، فیحتمل ان ینکون هذا التکلیف واقعا علی مجموع الأمة».

نقد و بررسی

براساس متون فوق - بدون محاسبه کلام فخر رازی به دلیل ابهام یا مشابهتی که با متن اول دارد - ما در تحلیل این سنخ از واجبات با سه نظر مواجه هستیم، بدین قرار:

1. مخاطب مجتمع و مجموع امت (به نحو عام مجموعی) است، هرچند متصدی اجرا نماینده مجتمع است.
 2. مخاطب عموم مسلمانان هستند؛ هرچند متصدی اجرا حاکم و من له الولاية العامة است.
 3. مخاطب شخص امام و نایبان او هستند، چنانکه متصدی اجرا نیز همین گروه‌اند.
- طبیعی است که بتوان برخی احتمالات و گزینه های دیگر را نیز مطرح کرد، که در ادامه به عنوان «اندیشه تحقیق» به موردی از آن اشاره خواهیم کرد.

ملاحظات سلبی بر این سه تحلیل وارد است؛ بدین ترتیب:

أ. «مجتمع بما هو مجتمع» غیر از «مجموع امت به نحو عام مجموعی» است و در هر صورت مکلف شدن این دو نهاد - با لوازم و ملزوماتی که تکلیف دارد - چندان قابل فهم و تصور نیست؛ حتی بنابر اندیشه اصالت دادن به جامعه و شخصیت قائل شدن برای آن و رای افراد جامعه. (دقت کنید) شاید نداشتن تصویری دقیق از مفاد این متن، باعث شده که ما تن در جایی دیگر مسئول و مکلف را شخص حاکم و امام بدانند و صریحاً بگویند: «ان المسئول و المكلف فی الحكومة الإسلامية هو الإمام و الحاکم و ان السلطات الثلاث بمراتبها ایادیه و اعضاده».

1 روح المعانی، ج 17-18، ص 384.

2 التفسیر الکبیر، ج 11، ص 224.

3 دراسات فی ولاية الفقیه، ج 2، ص 62

مشروح درس :

بسم الله الرحمن الرحيم

گفتیم که برخی از واجبات نه عینی هست و نه کفایی. تقریباً همه ی واجبات سیاسی و اجتماعی مثل اجرای حدود یا اعداد قوا

در مقابل دشمن یا جهاد از این قبیل است. در این جا عرض شد که برخی از مفسران، برخی از فقها توجیهاتی کرده اند. یک توجیه را دیروز بیان کردیم و آن این بود که نگوییم در این موارد همه مکلف هستند بلکه بگوییم جامعه بماهو جامعه یا مجتمع بما هو مجتمع مکلف است به نحو عام استغراقی البته وقتی مجتمع شد مکلف قهرا نماینده ی مجتمع باید انجام دهد؛ مکلف مجتمع است اما مجری قیم و ممثل مجتمع است. لذا ایشان می گوید واجب عینی نیست چون در واجب عینی همه مکلف هستند به نحو عام مجموعی، کفای هم نیست به همان قرائت مشهور (که همه مکلف هستند و هر کسی می تواند انجام دهد و اگر کسی انجام داد از بقیه ساقط می شود)، پس ایشان عملا دارد یک نحو سومی از واجب را بیان می کند.

برخی از مفسران (علامه طباطبایی) سخن دیگری دارند و می گویند: در واجبات اجتماعی، نظامی (مربوط به حفظ نظام)، سیاسی همه ی مسلمانان به نحو عام استغراقی مکلف هستند ولی عامه نباید عهده دار شوند بلکه ممثل مجتمع باید عهده دار شود.

عبارت آقای منتظری: التکالیف الاجتماعیه الوظائف الی خوطب بها المجتمع بما هو مجتمع و روعی فیها مصالحه و العام فیها عام مجموعی پس مخاطب شد مجتمع بعد چهار آیه را می آورد و بعد در ادامه می گوید: و نحو ذلک یكون الخطاب متوجها الی المجتمع و لا محالة (چون مجتمع مکلف است نه تک تک افراد) متصدی اجتماع مجری خواهد بود. اما فرمایش بعدی (علامه طباطبایی): الخطاب فی الامر بالجلد متوجه الی عامة المسلمین (ظاهرش هم عام استغراقی است) منتهی مثل همه ی واجبات عینی نیست که همه حق داشته باشند انجام دهند بلکه یقوم من قام بامرهم.

قبل از این دو تا متن آلوسی کتابی دارد به نام روح المعانی در این کتاب آقای آلوسی لغزش اعتقادی زیاد دارد ولی تحقیقات خوبی هم دارد. ایشان می گوید: الخطاب فی قوله تعالی «فاجلدا» لائمة المسلمین و نوابهم می گوید خطاب در این آیات به ائمه ی مسلمین است، مخاطب امام یا امامان مسلمین، سردمداران یا نوابشان است. ایشان اصلا بحث عامه ی مسلمین را ندارد و از همان اول می گوید مخاطب ائمه و نوابشان هستند. کلامی از شیخ طوسی در تبیان نیز دال بر همین مطلب است.

فخر رازی یک عبارتی دارد و می گوید: «ان قوله فاقطعوا خطاب مع قوم فیحتمل ان یكون هذا التکلیف واقعا علی مجموع الامة (نمی گوید جمیع الامة لذا با نظر اول سازگارتر است) پس ما با واجباتی روبرو هستیم که باید بدانیم مخاطبش چه کسی است و چهار نظر را در مورد آن بیان کردیم و مجری چه کسی است البته تقریبا همه اتفاق دارند که مجری، ممثل و حاکم مجتمع هست.

گاهی اوقات تکلیف متوجه می شود ولی انجامش به مباشرت مستقیم نیست بلکه به تهیه و انجام مقدمات است. مثلا جهاد واجب است ولی بخش عظیمی از جهاد به مقدمات مثل تبلیغات، ساخت توپ و تانک، تهیه ی غذا و ... اما همه در خطاب قاتلوا المشرکین كافة سهیم هستند.

نقد و بررسی

به نظر ما هیچ کدام از این پاسخ ها و نظریات تمام نیست.

این که بگوییم مجتمع بما هو مجتمع یا فخر رازی گفت مجموع الامة، عام مجموعی مکلف است، این یعنی چه؟ بالاخره تکلیف لوازمی دارد مثل استحقاق ثواب اگر انجام دهند و استحقاق عقاب اگر ترک کنند؛ مجتمع بما هو مجتمع چطور می خواهد مکلف باشد؟! حتی به نظر جامعه شناسانی که می گویند جامعه خودش یک شخصیت مستقلی از افراد دارد (در مقابل کسانی که می گویند جامعه هیچ چیزی جز افرادش نیست) آن ها می گویند یک آثاری بر خود جامعه بار می شود که نمی تواند بر افراد آن بار شود؛ حتی بنابر این نظر هم نمی توان مجتمع بما هو مجتمع را مکلف کرد و تکلیف را متوجه مجتمع بما هو مجتمع دانست.

یکی از اشکالات ما این است که به نظر ما عام مجموعی غیر از مجتمع است ولی آقای منتظری این دو را یکی کرده است جالب

این که ایشان در جلد اول می گوید مجتمع مکلف است ولی در جلد دوم می گوید امام مسلمین مکلف است (همان حرف آلوسی) ولی اگر از این اشکالات صرف نظر کنیم این که مجتمع بما هو مجتمع مکلف هست خیلی قابل فهم نیست، خداوند می خواهد مجتمع را عقاب کند، باید چه کار کند؟ همه ی مردم مثلا ایران در قرن یازدهم و همه را به جهنم ببرد؟ این که می شود همان جمیع امت. به نظر من، ما اگر در یک سری بحث ها هم از مجتمع استفاده کردیم یا شخصیت برای امت قائل شدیم نباید پایش را به تکلیف بکشانیم. مجتمع نه قابلیت استحقاق عقاب دارد و نه قابلیت استحقاق ثواب. البته پرونده ی این بحث باز است

اما نظر دوم و سوم را شما تأمل کنید. حسن کار علامه این است که کلمه ی مجتمع را نیاورده و گفته عامه ی مسلمین لذا اشکالی که به آقای منتظری داشتیم به ایشان نداریم چنانکه به آقای آلوسی هم نداریم. ولی آیا حرف آن ها قابل پذیرش هست یا نه انشاءالله فردا.